

رفق و مدارا

ابوالفضل بغمایی

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ
...؛^۱

به واسطه رحمت الهی در برابر مردم نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند.

مفهوم‌شناسی

نرمی و ملایمت در برخورد، سازگاری،^۲ لطف کردن، آزرده داشتن، نیکویی و مهربانی^۳ از جمله معانی رفق و مداراست.

مدارا از ماده «دری» یا «درأ» اشتقاق یافته است. «دری» به معنای آگاهی و شناختی است که از راه مقدماتی پنهان و غیر معمول به دست می‌آید.^۴ از این رو، درباره صید آهو از راه حيله و مقدمات غیر معلوم گفته می‌شود: «دریتُ الطبی».^۵ «درأ» نیز در اصل به معنای «دفع کردن» است.^۶ بر اساس این، واژه «مدارا» که به معنای «ملاطفت و برخورد نرم» است،^۷ اگر از ماده

۱. آل عمران، ۱۵۹.

۲. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۴، ص ۳۶۵۳.

۳. معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۱۶۶۵ و عمید، فرهنگ عمید، ص ۱۲۴۳.

۴. راغب، مفردات، ص ۱۶۸.

۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۵.

۶. جوهری، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۷۱.

۷. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۵.

«دری» باشد با معنای اصلی آن در «دریت‌الطبی» تناسب دارد، گویی آدمی با تحمل طرف مخالف و برخورد ملایم با او، وی را در کمند محبت خویش گرفتار می‌سازد؛ و اگر از «درأ» مشتق باشد به این مناسبت است که آدمی با برخورد ملایم خویش، بدی او را دفع می‌کند.^۱ بنابراین، در مدارا، مفهوم «پرهیز و احتیاط» نهفته است؛ از این رو، کاربرد بیشتر آن دربارهٔ مخالفان و دشمنان است، برخلاف «رفق» که غالباً دربارهٔ موافقان و دوستان و بیشتر از آن، دربارهٔ غیر مخالفان کاربرد دارد.^۲

رفق در اصل، به معنای «نرمی و لطافت» در برابر «شدت و خشونت» است.^۳ در همهٔ موارد کاربرد آن، مفهوم «نرمی و راحتی» را دربردارد.^۴ از آن‌جا که به‌طور معمول، میان‌روی در انجام کارها، سهولت، نیکی و استحکام عمل را در پی دارد، واژهٔ رفق به معنای «میان‌روی»، «حسن انجام‌دادن عمل» و «احکام عمل» نیز به کار رفته است.^۵

تفسیر آیه

«فَظٌّ» در لغت به معنای کسی است که سخنانش تند و خشن است و «غیظ القلب» به کسی می‌گویند، که سنگ‌دل می‌باشد و عملاً انعطاف و محبتی نشان نمی‌دهد؛ بنابراین، این دو کلمه گرچه هر دو به معنای خشونت است؛ اما یکی غالباً در مورد خشونت در سخن و دیگری در مورد خشونت در عمل به کار می‌رود؛ به این ترتیب، خداوند اشاره به نرمش کامل پیامبر ﷺ و انعطاف او در برابر افراد نادان و گنه‌کار می‌کند. این نرمش و رفق و برخوردمدارای، یکی از مزایای فوق‌العاده اخلاقی پیامبر اکرم ﷺ است؛ البته آثار و پیامدهایی هم دارد که آیه به آنها اشاره دارد؛ چنان‌که اگر مردم نسبت به پیامبر ﷺ بی‌وفائی‌ها کردند و مصائبی چون جنگ، برای

۱. همان.

۲. برای نمونه، در این باره در روایات چنین آمده است: «لاتحملوا علی شیعتنا وارفقوا بهم» (کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۳۴)؛ «وَأَمَّا الْمُخَالَفُونَ فَيَكْلِمُهُم بِالْمَدَارَاةِ» (مجلسی، بحار/الانوار، ج ۷۵، ص ۴۰۱)؛ البته واژهٔ مدارا گاه در معنایی وسیع‌به‌کار می‌رود و هر دو را شامل می‌شود؛ مانند: «أمرنی ربّی بمداراة الناس» (کلینی، کافی، ج ۳، ص ۱۷۹).

۳. خلیل، العین، ج ۵، ص ۱۴۹.

۴. همان.

۵. طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۶۹ - ۱۷۲.

فضائل اخلاقی: رفق و مدارا / ۲۵۹

آن حضرت پیش آوردند باید از حق خودش بگذرد و از گناه آنها درگذرد و از پیشگاه خدا طلب
غفران نماید.^۱

پیام‌های آیه

۱. نرمش یک هدیه الهی است (فیما رحمة من الله لنت لهم).
۲. افراد سنگ‌دل و سخت‌گیر نمی‌توانند مردم‌داری کنند.
۳. رهبری و مدیریت صحیح با جذب و عطوفت همراه است.
۴. در مدیریت گاهی نرمش لازم است (واعف) و گاهی شدت و خشونت نیاز است
(واغلظ علیهم).^۲

رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید: «انسان مؤمن، نرم‌خو، ملایم، باگذشت و
دارای اخلاق نیک است».^۳

طبق روایات، آنان که در زندگی اجتماعی خود، شیوه‌ای جز خشونت ندارند، از
جرگه «شیعیان واقعی» خارج‌اند.^۴

با وجود این، به همان اندازه که خوش‌خلقی و مدارای دین‌داران در طول تاریخ،
موجب گسترش دین‌داری در میان جامعه بشری بوده است، توسل به زور و خشونت،
به‌ویژه از سوی پیروان مسیحیت تحریف شده، نیز موجب دین‌گریزی و گرایش به
مادی‌گری فراهم شده است.

آیات و عناوین مرتبط

در فرهنگ قرآن عنوان رفق و مدارا نیست، ولی آیات مرتبط را می‌توان از عناوین تساهل و
تسامح و معاشرت استفاده کرد.

۱ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۶۵.

۲. قرآنی، تفسیر نور.

۳. عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۸۷.

۴. همان، ص ۵۸۸.

تساهل و تسامح با اهل کتاب: (آل عمران، ۶۴ - ۶۶)؛ تساهل و تسامح با دشمنان: (فصلت، ۳۳ - ۳۴)؛ تساهل و تسامح با کافران: (سبا، ۲۴).^۱

آداب معاشرت: اجتناب از اختلاف: (آل عمران، ۱۰۳؛ انفال، ۲۶)؛ اجتناب از اذیت: (بقره، ۲۶۳)؛ اجتناب از استهزا: (بقره، ۱۴ - ۱۵)؛ اجتناب از افترا: (نساء، ۲۰)؛ اجتناب از القاب بد: (حجرات، ۱۱)؛ خوش خلقی: (آل عمران، ۱۵۹)؛ سخن نیک: (بقره، ۸۳)؛ صبر: (مزمّل، ۱۰)؛ صداقت: (نور، ۱۱۹)؛ عدالت: (نساء، ۱۳۷).^۲

ارزش مدارا در کلام معصومان علیهم‌السلام

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «من به مدارای با مردم مأمورم، چنان‌که به تبلیغ رسالت». ^۳ خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «به واسطه رحمتی که از خدا به تو رسید تو نرم‌خو شدی و اگر خشن و تندخو و غلیظ‌القلب بودی مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند». ^۴ (یعنی عامل موفقیت و رمز نفوذت در مردم، مدارا و رفق است) از این‌رو، رفق و مدارا، نصف زندگی است.^۵

اگر «رفق» شکل می‌گرفت و به قیافه مخلوقی درمی‌آمد، از او زیباتر چیزی نبود.^۶

این سنجیه مردان کریم است که با مردم مدارا می‌کنند.^۷ اگر خداوند خیر خانواده‌ای را بخواهد، درهای رفق و مدارا را بر روی آنها باز می‌کند.^۸

۱. رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ج ۸، ص ۶۶.

۲. همان، ج ۲۸، ص ۴۰۶ - ۴۲۱.

۳. حرّانی، تحف العقول، ص ۸۰.

۴. آل عمران، ۱۵۹.

۵. قال الإمام الكاظم (ع): «الرفق نصف العيش» (ری شهری، میزان الحکمه، ش ۷۳۵۷).

۶. قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «لو كان الرفق خلقاً يُرى ما كان ممّا خلق الله شيء أحسن منه» (ری شهری، میزان الحکمه، ش ۷۳۵۸).

۷. قال الإمام علي (ع): «الرفق بالاتباع من كرم الطباع» (ری شهری، میزان الحکمه، ش ۷۳۵۹).

۸. قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «إذا أراد الله بأهل بيت خيراً أدخل عليهم باب رفق» (ری شهری، میزان الحکمه، ش ۷۳۶۱).

فضائل اخلاقی: رفق و مدارا / ۲۶۱

کسی که بهره‌اش رفق و مدارا شد، از خیر دنیا و آخرت بهره‌مند شده است.^۱
عاقل‌ترین مردم، کسی است که رفق و مدارای او نسبت به مردم از دیگران
شدیدتر باشد.^۲

مدارا، کلید رستگاری است.^۳

خداوند رفیق است و رفق را دوست دارد.^۴

اگر دوست داری اکرام و احترام شوی، پس نرم‌خو و ملایم باش و اگر خواستی
توهین شوی، خشن باش.^۵

ارزشمندی مدارا و عفو

در برتری عفو و مدارا همین بس که در روایات هم‌ردیف ورع و تقوا شمرده شده است. کسی
که از روحیهٔ سماحت و گذشت برخوردار نیست و در اثر کوچک‌ترین برخوردی، درگیر نزاع و
کشمکش با افراد می‌شود و خشم و خشونت به کار می‌گیرد، نه تنها آسایش زندگی از او سلب
می‌شود، بلکه به بسیاری از گناهان، لغزش‌ها و گناه جنایاتی بزرگ گرفتار می‌گردد که تا ابد در
آتش ندامت آن خواهد سوخت؛ از این رو، در روایات، حلم و مدارا در ردیف ورع و تقوا ذکر شده
است که به‌سان سپری در برابر گناهان عمل می‌کند و حتی بدون آن، هیچ عمل نیکی به کمال
خود نمی‌رسد. امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «هر کس که در او سه
خصلت نباشد، هیچ‌یک از اعمالش کامل نمی‌شود: ورع (و تقوایی) که او را از نافرمانی خدا
بازدارد، اخلاق نیکی که با مردم مدارا کند و حلم (و بردباری) که نادانی نادان را دفع سازد».^۶

۱. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من أعطى خطه من الرفق أعطى خطه من خير الدنيا والآخرة» (ری شهری، میزان الحکمه، ش ۷۳۶۲).

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «أعقل الناس أشدّهم مداراة للناس» (ری شهری، میزان الحکمه، ش ۷۳۶۳).

۳. قال الإمام علی (ع): «الرفق مفتاح النجاح» (ری شهری، میزان الحکمه، ش ۷۳۶۵).

۴. قال الإمام الباقر علیه السلام أو الإمام الصادق (ع): «إن الله رفيق يحب الرفق» (ری شهری، میزان الحکمه، ش ۷۳۷۷).

۵. ری شهری، میزان الحکمه، ش ۷۳۹۶.

۶. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۱۶. «حلم» در اصل به معنای «خودنگهداری» و «آرامش نفس در برابر خشم و احساسات» است؛ به‌گونه‌ای که شخص، به‌راحتی به خشم نیاید و هنگام خشم، فرو بردن آن دشوار نباشد و چون در وقت خوابیدن، خشم و هیجانی وجود ندارد، به آن «حلم» گویند و زمان بلوغ را که هیجان و اضطراب کودکی فروکش می‌کند، «حلم» نامند. بدین‌سان، کسی که فضیلت «حلم» را کسب نکرده و با دشواری خشم خود را فرو می‌برد، می‌گویند، تحلم و کظم غیظ می‌کند (ر. ک: ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۱۸۴؛ مصطفوی، التحقيق، ج ۲، ص ۲۷۳ - ۲۷۴؛ غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۱۶۹).

بنابراین، قهر و جدایی دو مسلمان که بازتاب فقدان روحیهٔ عفو و سماحت است، حتی مانع قبول شدن اعمال نیک دیگر نیز می‌شود؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ به ابوذر می‌فرماید: «ای ابوذر! از جدایی و ترک برادرت بپرهیز که در این حال، عمل (نیکی) قبول نمی‌شود».^۱

نمونه‌های رفق و مدارا

در برخوردها، چگونه با مردم رفق و مدارا کنیم؟

تبسم، سلام کردن، مصافحه کردن، احوال‌پرسی از خود و خانواده، دل‌جویی، برخورد مناسب، چهرهٔ گشاده، ظاهری شاداب، باطراوت و پاکیزه داشتن، خوش و بش کردن، لطایف حکمت‌آمیز گفتن، دعوت کردن و دعوت‌پذیرفتن، پاسخ مناسب و منطقی و به‌جا دادن، خداحافظی کردن، سلام‌رساندن، التماس دعا گفتن، آرزوی سلامتی کردن، تلفن کردن و خبرگرفتن مکرر، در سختی‌ها شرکت کردن و یاری نمودن، شوخی کردن به اندازه‌ای که سبکی نیاورد، مشورت کردن، در کارها کمک کردن، در وقت بیماری عیادت کردن، در تفریحات و بازی‌ها و ورزش‌ها شرکت کردن تا حدی که موجب وهن نشود، از غیبت، تهمت، ناسزا، عصبانیت، بدزبانی، شتاب‌زدگی، خسونت، خودخواهی، تکبر، طمع، سوءاستفاده کردن، وراجی کردن، مسخرگی و بیهودگی دوری‌گزیدن و در وقت اشتباه، عذرخواستن، و از خطاهای مخاطب گذشتن و عفو و صفح کردن و در راه رسیدن به کمال، تلاش و راهنمایی کردن و... همهٔ اینها از موارد و مصادیق رفق و مدارا با مردم است.

قلمرو رفق

رفق و مدارا با مردم مطلوب و دارای فواید فراوان است، اما به شرطی که پای حق شما در میان باشد؛ ولی آن‌جا که حق خدا و حقوق مردم در میان است، اگر مدارا کنی و حقوق آنان پایمال شود، جای مدارا نیست؛ در آن‌جا باید استوار و باصلابت بود و از حق خدا و مردم قاطعانه دفاع کرد. رفق، در واقع یک شیوه است برای رسیدن به مقصد، پس اگر به واسطهٔ آن، اصل مقصد و هدف از بین می‌رود، جداً باید از آن دوری کرد. ممکن است افرادی به دلایلی از عطف و ملایمت انسان سوءاستفاده کنند، و بر گناه و جسارت خود بیفزایند با این افراد باید برخورد کرد و در برابر آنان قدرتمندانه ایستادگی کرد.

امام علی علیه السلام فرمود:

لَا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُضَارِعُ وَلَا يُضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعُ؛^۱

فرمان خدای سبحان را برپا ندارد مگر آن که سازش کار نباشد و به روش اهل باطل عمل نکند و پیرو طمع‌ها نگردد.

مؤمن باید در اصول اعتقادی خود سازش‌ناپذیر باشد.

سازش‌ناپذیری در اصول به معنای داشتن قاطعیت، صلابت، انعطاف‌ناپذیری در اصول و مبانی دین و مذهب، ارزش‌ها و احکام الهی و حقوق مردم است.

به‌ویژه یکی از صفات ممتاز برای پیام‌گزار دینی، ایستادگی در برابر انحراف و کژی‌ها و

قاطعیت در اجرای اوامر الهی است؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

به خدا سوگند، اگر آفتاب را در دست راست من و ماه را در دست چپ من قرار دهند (یعنی فرمانروایی همه جهان را به من دهند) که از تبلیغ آیین و از هدفم دست بردارم، هرگز چنین نخواهم کرد، و هدف خود را تعقیب می‌کنم، تا بر مشکلات پیروز شوم و به مقصد نهایی برسم و یا در راه هدف جان بسپارم.^۲

مهم‌ترین مواردی که لازم است مؤمن پرهیزکار درباره آنها محکم و استوار باشد عبارتند از:

۱. درباره اصول و مبانی مذهب، هرگز راضی به کم‌ترین تحریف و انحراف در باورهای دینی، ارزش‌ها و احکام الهی نشود و با کسانی که ایمان و عقاید اسلامی را مورد تعرض قرار می‌دهند، تسامح و تساهل روا مدارد.

۲. در برابر انواع منکرات و گناهان، چه گناهان فردی و یا اجتماعی، بی‌تفاوت نبوده و به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل نماید.

اما مواردی که سزاوار است آسان بگیرد و با گذشت باشد:

۱. در مسائل و حقوق شخصی، با خانواده، همکاران و مردم با مهربانی و مدارا برخورد کند.

۲. در مسائل فرعی دینی، آن مواردی که دین آسان گرفته بر خود و دیگران آسان بگیرد؛

مانند: مسئله طهارت و نجاست، برخی از عبادات مثل نماز و روزه برای مسافر و بیمار و

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۱۰.

۲. سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۶۷.

آثار رفق و مدارا در کلام معصومان علیهم‌السلام

۱. رفق و مدارا، موجب زیادی و برکت است.^۱
۲. کسی که رفیق مردم باشد، آنچه از آنها می‌خواهد به دست می‌آورد.^۲
۳. رفق، کلید بعضی از گرفتاری‌ها و ناچاری‌هاست.^۳
۴. مدارا، سختی‌ها را آسان می‌کند.^۴
۵. مدارا، موجب صلاح و رستگاری است.^۵
۶. مدارا، اکرام آور است.^۶
۷. مدارا، موجب دوستی به خود و برنامه‌های خود است.^۷
۸. مدارا، کینه‌ها را می‌زداید.^۸
۹. مدارا، راهی برای نفوذ در مردم و موفقیت در کار است.^۹
۱۰. آنها که اهل مدارا هستند، از امدادهای الهی در دنیا و آخرت بهره‌مندند.^{۱۰}
۱۱. رفق، منجر به سلامتی و صلح و صفا می‌شود.^{۱۱}
۱۲. رفق، موجب رفاقت خدا در همه کارهاست.^{۱۲}
۱۳. با کسب رفق و مدارا، بخشی از ایمان نصیب آدمی می‌شود.^{۱۳}

۱. ری شهری، میزان الحکمه، ش ۷۳۸۹.

۲. همان، ش ۷۳۹۰.

۳. همان، ش ۷۳۹۱.

۴. همان، ش ۷۳۹۴.

۵. همان، ش ۷۳۹۵.

۶. همان، ش ۷۳۹۶.

۷. حجّتی، تعلیم و تربیت در اسلام، ج ۲، ص ۳۴.

۸. همان.

۹. همان..

۱۰. همان.

۱۱. ری شهری، میزان الحکمه، ش ۷۳۹۲.

۱۲. همان، ش ۷۳۸۱.

۱۳. همان، ش ۷۳۸۲.

حکایت

۱. دزدی از باغ امام کاظم (ع)

متعجب می‌گوید: امام کاظم علیه السلام در نخلستان خود مشغول بریدن شاخه‌های درختان بود. یکی از غلامان آن حضرت دسته‌ای از خوشه‌های خرما را برداشت و [به قصد دزدی] پشت دیوار باغ انداخت. من رفتم غلام را گرفتم و نزد حضرت آوردم و ماجرا را برای آن حضرت نقل کردم. امام کاظم علیه السلام به غلام رو کرد و فرمود: «آیا گرسنه‌ای؟» غلام گفت: نه آقای من! امام علیه السلام فرمود: «آیا برهنه‌ای؟» غلام گفت: نه مولای من! امام علیه السلام فرمود: «پس چرا آن خوشه‌های خرما را برداشتی؟» غلام گفت: دلم چنین خواست. امام علیه السلام فرمود: «آن خرماها برای تو باشد». سپس فرمود: «غلام را رها کنید»^۱.

۲. مدارا با اسیر

پس از آن که ابن ملجم مرادی، حضرت علی (ع)، نخستین شهید محراب را با ضربت شمشیر زهرآگین به شدت مجروح کرد و آن حضرت در بستر شهادت قرار گرفت، حضرت در وصیت‌نامه‌ای خطاب به امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمود: «ای فرزندان عبدالمطلب! مبادا پس از من دست به خون مسلمانان فرو برید و دست به کشتار بزنید و بگویید امیرمؤمنان کشته شد؛ بدانید جز کشته شدن من کس دیگری نباید کشته شود، درست بنگرید. اگر من از ضربت او مُردم، او را تنها یک ضربت بزنید و دست و پا و دیگر اعضای او را نبرید. من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: پرهیزید از بریدن اعضای مرده، هرچند سگ درنده باشد»^۲.

۳. با پرستوها

در اتاق باز شد، نگاه کنیزک لغزید طرف باغچه گل‌ها. آرام بیرون آمد، کسی در حیاط نبود، نگاهی به اتاق آقا انداخت در باز بود، با خود فکر کرد که لابد کسی پیش آقا است. برگشت و به طرف باغچه آمد، نگاهش به پروانه‌ای افتاد با بال‌های رنگی. یک لحظه به دنبال پروانه دوید، روی گل زیبایی نشست، در برابر گل سرش را خم کرد، چشم‌هایش را بست و بویید. انگشتان باریکش را به ساقه سبز گل تکیه داد و آرام چرخ داد. گل را چید و جلوتر رفت. گل دیگری چید و چند گل دیگر تا شد یک دسته گل زیبا. دست‌هایش پر از هاگ گل‌ها شد. آمد پشت در اتاق آقا و دست‌هایش را دراز کرد و گفت: بفرمایید آقا. آقا نگاه کرد. دست دراز کرد و گل‌ها را گرفت و بویید و به او نگاه کرد، چه زیبا چه رنگارنگ! کنیزک گفت: آقا! بهترین هدیه‌ها را به بهترین انسان‌ها می‌دهند. لبخندی صمیمی بر لبان آقا سبز شد، چند لحظه‌ای به او نگریست و

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۰۸.

۲. نهج البلاغه (دشتی)، ص ۵۶۱، نامه ۴۷.

زیر لب زمزمه کرد: تو آزادی دخترم! خدا آزادی را به تو داده است، چیزی زیباتر از آزادی نیست که در برابر گل‌های زیبا به تو هدیه شود. کنیزک به یاد پروانه و پرستو افتاد، نگران شد، با خود فکر می‌کرد که نکند از باغ خانه آقا از میان پروانه‌ها و گل‌های خوشبو بیرون برود. گفت: آقا! اگر آزادم پس بگذار بمانم. آقا گفت: تو آزادی. به طرف در برگشت، بقیه حرف‌ها را نشنید، اما حس کرد کسی می‌گوید: بمان با گل‌ها یا برو با پرستوها.

انس بن مالک - راوی داستان - می‌گوید: به آقا (امام حسین(ع))^۲ عرض کردم: آزادی یک دختر در برابر چند شاخه گل؟! فرمود: «خدا این‌گونه به ما آموخته است: «وَإِذَا حُيِّتَ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها»^۳؛ هرگاه به شما تحیت و درود می‌گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید یا (دست کم) به همان‌گونه پاسخ گوید».

امام علی(ع) در ادامه فرمود: «نیکوتر از درود وی، آزادی‌اش بود».^۴

شعر

یکی را چو سعدی دلی ساده بود	جفا بردی از دشمن سخت‌گوی
ز کس چین بر ابرو نینداختی	یکی گفتش آخر تو را ننگ نیست
تن خویشان سغبه دونان کنند	نشاید ز دشمن خطا درگذشت
بدو گفت شیدای شوریده سر	دل‌م خانه مهر یارست و بس
که با ساده‌رویی در افتاده بود	ز چوگان سختی بختی چو گوی
ز یاری به تندی نپرداختی	خبر زین همه سیلی و سنگ نیست
ز دشمن تحمل زبونان کنند	که گویند یارا و مردی نداشت
جوابی که شاید نباشتن به زر	از آن می‌نگنجد در آن کین کس ^۵

* * *

آرامش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروّت با دشمنان مدارا (حافظ)

۱. «أَنْتَ حُرَّةٌ لَوْجَهَ اللَّهِ».

۲. نظیر این حکایت درباره امام حسن مجتبی علی(ع) نیز نقل شده است (ر. ک: بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۳).

۳. نساء، ۸۶.

۴. ماهنامهٔ بشارت، ش ۳، ص ۴۶ - ۴۷ و امین، اعیان‌الشیعه، ج ۱، ص ۵۷۹.

۵. سعدی، بوستان، ص ۲۲۵.